

راهبردهای روسیه و اتحادیه اروپا و ثبات انرژی اوکراین

(۲۰۱۴-۲۰۰۴)

محمودولی مدرس^۱

بهرام طاهری^۲

چکیده

اوکراین به دلیل موقعیت جغرافیایی و دارا بودن خطوط متعدد لوله گاز، نقشی مهم در ژئوپلیتیک انرژی ایفا کرده است. گرچه وابستگی متقابل میان روسیه، اتحادیه اروپا و اوکراین در حوزه انرژی، امکانی را برای بسط همکاری‌ها و در نتیجه چسبندگی ژئوپلیتیک میان آن‌ها فراهم آورده، اما شکل‌گیری یک رابطه وابستگی متقابل نامتقارن، مناسبات انرژی فی‌مابین را دستخوش تلاطم کرده و در نتیجه بر ثبات انرژی اوکراین تأثیر گذاشته است. بر این اساس، نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که راهبردهای روسیه و اتحادیه اروپا چگونه ثبات انرژی اوکراین را در فواصل سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ (انقلاب نارنجی تا انقلاب میدان) تحت تأثیر قرار داده است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که روسیه با پیگیری راهبردهای انرژی خود از طرقی همچون متنوع‌سازی مسیرهای انتقال، اخذ مابه‌ازاء استراتژیک، افزایش قیمت، کاهش و حتی قطع جریان انتقال انرژی و تحمیل قراردادهای بلندمدت و استفاده از ابزار انرژی جهت تغییر رفتار رژیم‌های واگرا و اتحادیه اروپا از طرقی مانند متنوع‌سازی تأمین کنندگان انرژی و مسیرهای انتقال و معطوف نمودن توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر بر ثبات انرژی در اوکراین تأثیر گذاشته‌اند. در پژوهش حاضر از روش کیفی استفاده و داده‌ها براساس منابع کتابخانه‌ای گردآمده‌اند.

واژگان کلیدی:

روسیه، اتحادیه اروپا، اوکراین، وابستگی متقابل نامتقارن، امنیت انرژی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

^۱. استادیار گروه آموزشی روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

mvmodarres@khu.ac.ir

^۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده خوارزمی، تهران، ایران taheerahram66@yahoo.com

مقدمه

رابطه میان سیاست و انرژی پدیده تازه‌ای نیست. طی دو‌یست سال گذشته نفت و سیاست‌های نفتی روابط میان دولت‌ها را شکل داده است. انرژی کالایی است استراتژیک که در اختیار داشتن آن موجب نفوذ و قدرت می‌شود. توزیع نابرابر منابع انرژی در جهان، موقعیت دارندگان چنین منابعی را تقویت نموده و مناطقی که این ذخایر را در خود جای‌داده‌اند همچنان محل توجه جدی قدرت‌ها هستند. در نتیجه بسیاری از منازعات در دو قرن اخیر ریشه در تلاش برای کنترل بر منابع انرژی داشته است. گرچه کوشش‌های فراوانی برای کاهش وابستگی به انرژی‌های فسیلی در حال انجام است، اما شواهد همچنان حاکی است که بشر در آینده نیز به‌شدت به این نوع سوخت نیازمند باقی خواهد ماند. در نتیجه نه‌تنها پیوند میان انرژی، اقتصاد و سیاست حفظ، بلکه حتی تشدید نیز خواهد شد.

منابع سرشار انرژی، به روسیه موقعیتی بخشیده که بسیاری این کشور را یک ابرقدرت انرژی قلمداد کرده‌اند. روسیه حدود ۱۵ درصد از ذخایر اثبات‌شده هیدروکربوری جهان در اختیار دارد. ۶/۴٪ از کل ذخایر شناخته‌شده گاز جهان در این کشور واقع است. از حیث گاز رتبه دوم را در جهان به خود اختصاص داده است. جایگاه سوم در میان دارندگان منابع زغال‌سنگ متعلق به روسیه است. این کشور هم‌زمان به‌عنوان یک تولیدکننده، صادرکننده، واردکننده، مصرف‌کننده و ترانزیت‌کننده انرژی عمل می‌کند. طی چند دهه گذشته بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی موردنیاز اروپا بوده است. به‌طور متوسط تا ۴۰٪ از گاز و یک‌چهارم نفت مصرفی قاره اروپا را تأمین کرده است (Siddi, 2015). حدود ۴۰٪ از بودجه دولت فدرال، از محل صادرات نفت و گاز تأمین شده است (Varol, 2013: 102).

در مقابل، اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور عضو و حدود ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت، بزرگ‌ترین واردکننده انرژی در جهان است. در سبد مصرف انرژی اروپا به ترتیب سهم نفت و فرآورده‌های نفتی ۳۴.۵٪، گاز طبیعی ۲۳/۷٪، سوخت‌های جامد فسیلی ۱۰/۲٪، انرژی هسته‌ای ۱۲/۷٪ و انرژی‌های تجدیدپذیر ۱۷/۴٪ است (Eurostat, 2022). متوسط مصرف روزانه نفت در اروپا، حدود ۱۵ میلیون بشکه است. منابع داخلی در اروپا حداکثر ۲۰٪ از نیازهای این قاره به انرژی را تأمین می‌نماید. مابقی نیاز این قاره باید از خارج تأمین شود. گاز به‌تنهایی حدود یک‌چهارم انرژی مصرفی اروپا را تشکیل می‌دهد.

اوکراین نیز به دلیل موقعیت سرزمینی و واقع بودن در مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا، نقشی بسیار مهم در ترانزیت گاز و نفت ایفا کرده است. خطوط لوله متعدد که عمدتاً در دوره

شوروی احداث شده‌اند، امکانی وسیع برای انتقال گاز روسیه به بازار پرمصرف اروپا فراهم آورده است. ظرفیت خطوط لوله مذکور در نقاط صفر مرزی روسیه و اوکراین حدود ۳۰۸ میلیارد مترمکعب و در نقاط خروجی اوکراین به سمت اروپا حدود ۱۷۸ میلیارد مترمکعب در سال است. در صورت استفاده کامل از خطوط لوله موجود در خاک اوکراین، گاز روسیه قادر است تا ۴۰٪ نیاز اروپا را از این مسیر تأمین کند (Petrov, 2014).

اوکراین علاوه بر آنکه کریدوری بسیار مهم برای ترانزیت انرژی روسیه به اروپا محسوب می‌شود، خود یک مصرف‌کننده بزرگ انرژی در اروپا است. اوکراین پس از آلمان دومین واردکننده بزرگ گاز از روسیه و چهارمین مصرف‌کننده گاز در اروپا به شمار می‌رود. علاوه بر اهمیت اوکراین در ترانزیت گاز، این کشور مسیری مهم برای انتقال نفت روسیه به اروپا بوده است.

نقش فزاینده و پراهمیت انرژی در توسعه و ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشورها و نیز در تداوم و رشد صنعت در جهان غیرقابل‌انگماض است. تجارت انرژی بین روسیه و کشورهای اروپایی سابقه‌ای بیش از ۶۰ سال دارد. حجم اعظم زیرساخت‌های انتقال نفت و گاز از روسیه به اروپا و حتی در قلمرو اوکراین در دوره شوروی سابق ساخته شده‌اند. علیرغم اختلافات حاد ایدئولوژیکی میان شوروی و غرب، انرژی یکی از فصول مهم همکاری میان مسکو با کشورهای اروپایی به شمار می‌رفت. با فروپاشی شوروی، مثلثی مرکب از روسیه، اوکراین و اتحادیه اروپا به ترتیب به‌عنوان تأمین‌کننده، ترانزیت‌کننده و مصرف‌کننده انرژی شکل گرفت. از این رو باید گفت که وابستگی متقابل اقتصادی از آن هنگام میان شوروی و اروپا ایجاد شده است.

در دوره پساشوروی نیاز سه سویه اما نابرابر میان روسیه، اتحادیه اروپا و اوکراین آن‌ها را به سمت وابستگی متقابل نامتقارن سوق داده است. تداوم و تشدید این وضع بیش از همه امنیت انرژی اوکراین را به مخاطره افکنده است. بر این اساس، نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که راهبردهای روسیه و اتحادیه اروپا چگونه امنیت انرژی اوکراین را تحت تأثیر قرار داده است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که روسیه با پیگیری راهبردهای انرژی خود از طرقی همچون متنوع‌سازی مسیرهای انتقال، پرداخت سوبسیدهای استراتژیک، اخذ مابازاء استراتژیک در قبال تخفیف‌های انرژی، کاهش و یا قطع جریان گاز و تحمیل قیمت و استفاده از ابزار انرژی جهت تغییر رفتار رژیم‌های واگرا و اتحادیه اروپا از طرقی مانند اتخاذ راهبردهای کلان و هماهنگ، تمرکز بر امنیت انرژی، اصلاح و یکپارچه نمودن بازار داخلی، افزایش بهره‌وری انرژی، معطوف نمودن توجه به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، متنوع‌سازی منابع

تأمین‌کننده انرژی و نهایتاً تدوین و اجرای بسته‌های محدودساز علیه روسیه بر امنیت انرژی اوکراین تأثیر گذاشته است.

در این نوشتار نخست نظریه وابستگی متقابل به‌عنوان چارچوب پژوهشی تبیین شده، سپس به‌اختصار به راهبردهای روسیه و اتحادیه اروپا در قبال اوکراین در خصوص انرژی اشاره گردیده و در پایان تأثیر رویکردهای روسیه و اتحادیه اروپا بر ثبات انرژی در اوکراین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش از روش کیفی استفاده و از شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

ادبیات پژوهش: پژوهش‌های بسیاری پیرامون امنیت انرژی اروپا در پرتو مناسبات پرنوسان این اتحادیه با روسیه در چند دهه اخیر صورت گرفته است. ذیلاً به چکیده‌ای از چند اثر که تا حدی به پژوهش حاضر نزدیک‌تر است اشاره می‌شود:

- در مقاله‌ای تحت عنوان اتحادیه اروپا و چالش‌های امنیتی انرژی، به نگرانی‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه تأمین امنیت انرژی و چشم‌انداز انتقال انرژی و تزریق آن به شریان‌های حیاتی صنعت و اقتصاد اروپا، رشد روند مصرف و به‌تبع آن افزایش میزان وابستگی کشورهای اروپایی به واردات سوخت‌های فسیلی اشاره و تلاش شده به این پرسش پاسخ داده شود که چرا اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به فکر متنوع‌سازی منابع خارجی تأمین انرژی افتاده است؟ نگارندگان پاسخ را در نگرانی اتحادیه اروپایی از تلاش روسیه برای حفظ انحصار خود بر منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز یافته‌اند (سلطانی و بهمنش ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۱۱).

- در مقاله دیگری با عنوان اینکه سیاست انرژی اتحادیه اروپا بعد از بحران اوکراین چقدر امن خواهد بود؟ نویسنده اشاره دارد که معضل امنیت انرژی پس از بحران سال ۲۰۱۴ در اوکراین و تشدید تنش‌های سیاسی میان روسیه و غرب در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت. نویسنده آنگاه نقاط قوت و ضعف اروپا را در حوزه انرژی در برابر روسیه برشمرده و تأکید می‌نماید که این بحران فرصت‌هایی را در اختیار اتحادیه اروپا قرار داده که از جمله آن‌ها می‌توان به کاهش قیمت نفت و تنوع در عرضه انرژی است اشاره کرد (Gümüş 2015: 1016-1021).

- در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان امنیت انرژی اروپا در پرتو بحران روسیه و اوکراین، نویسنده با ذکر اینکه رویکرد تقابلی روسیه در قبال اوکراین و غرب در جریان بحران سال ۲۰۱۴، زنگ خطر امنیت انرژی را در بسیاری از پایتخت‌های اروپایی و بروکسل به صدا درآورده، نخست شرحی از روابط انرژی میان اتحادیه اروپا و اوکراین ارائه داده، سپس تلاش کرده به این پرسش

پاسخ گوید که چگونه بحران اوکراین بر امنیت انرژی اتحادیه اروپا تأثیر گذاشته است. در این ارتباط، وی با در نظر گرفتن چهار عامل در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن، نظارت بر پایداری عرضه و استفاده از انرژی و نهایتاً بهره‌وری از آن، تأثیرات بحران مورد اشاره بر امنیت انرژی اتحادیه اروپا را تبیین کرد (Godzimirski 2014).

- در دیگر مقاله تحت عنوان کاهش وابستگی به گاز روسیه: تمایز امنیت گاز طبیعی از ژئوپلیتیک، نویسندگان با ذکر وضعیت صادرات گاز روسیه به اروپا، دورنمای تأمین گاز اعضای اتحادیه اروپا با در نظر داشت پروژه‌های موجود، حجم قراردادهای و پیش‌بینی تقاضا تا سال ۲۰۳۰ بررسی و سپس شقوق ممکن برای تأمین گاز از سایر طرق (به جز روسیه) را بررسی کرده‌اند. یافته مقاله فوق آن است که با کاهش خرید گاز از روسیه، اروپا حداقل یک صد میلیارد مترمکعب گاز و حتی تا دو برابر این حجم تا سال ۲۰۳۰ نیاز خواهد داشت که باید از طریق دیگر تأمین‌کنندگان گاز، احداث خطوط لوله جدید و تقویت امکانات واردات گاز طبیعی مایع جبران کرد (Dickel et al. 2014).

- علاوه بر آن‌ها در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا به انرژی و امنیت در اروپا، نویسنده با طرح این پرسش که آیا سطح کنونی وابستگی متقابل اقتصادی (در سال ۲۰۱۳)، بین روسیه و اعضای اتحادیه اروپا باعث ارتقاء ثبات در اروپا خواهد شد یا خیر؟ نخست به اولویت مقوله امنیت انرژی به عنوان یک مؤلفه کلیدی امنیت ملی برای تمامی کشورها پرداخته و چنین استدلال می‌کند که وابستگی اعضای اتحادیه فوق به فدراسیون روسیه در زمینه نفت و گاز تهدیدی بالقوه برای امنیت ملی برخی از اعضای اتحادیه اروپا بوده و این وابستگی حداقل تا یک دهه بعد ادامه خواهد داشت. وی این وابستگی را امر دوسویه میان روسیه و هم اتحادیه اروپا می‌پندارد. عدم موفقیت روسیه در متنوع‌سازی اقتصاد خود، همچنان این کشور را به درآمدهای حاصل از خام‌فروشی انرژی وابسته نگه داشته و نیمی از بودجه دولت فدرال از همین طریق تأمین می‌شود. به باور نویسنده، علیرغم تلاش‌های صورت گرفته در درون اتحادیه جهت نیل به نوعی یکپارچگی در حوزه انرژی، روسیه از طریق دور زدن اتحادیه اروپا و انعقاد قراردادهای دوجانبه با برخی اعضای اتحادیه زمینه‌های تسلط بر بازار انرژی اروپا را حاصل کرده است. بحرانی که در نتیجه قطع گاز روسیه در سال ۲۰۰۹ پدید آمد، آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا در هنگام بروز اختلالات را عرضه نشان داد و به کشورهای عضو اتحادیه اروپا دیکته نمود که برای بهبود امنیت انرژی خود باید بیش از گذشته با یکدیگر همکاری کنند (Patterson 2013).

مقالات فوق تمرکز خود را بیشتر بر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و پیامدهای آن بر امنیت انرژی اتحادیه اروپا نهاده‌اند یا آنکه از منظر آینده‌پژوهی با برشمردن چالش‌هایی که اتحادیه اروپا در زمان تدوین مقاله و پس از آن با آن روبرو است دورنمای وضعیت انرژی اتحادیه را تا سال ۲۰۳۰ پیش‌بینی و راهکارهایی را برای برون‌رفت از وضعیت ممکن ارائه کرده‌اند. تفاوت مقاله حاضر با آثار فوق آن است که نگارنده با بهره‌گیری از نظریه وابستگی متقابل نامتقارن، راهبردهای انرژی اتحادیه اروپا و روسیه را در قالب یک روند (به‌ویژه در فاصله دو رویداد انقلاب نارنجی در ۲۰۰۴ تا انقلاب میدان در ۲۰۱۴) بررسی و تأثیرات آن را بر امنیت انرژی اوکراین مورد واکاوی قرار داده است.

چارچوب نظری: با پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، مبحثی تحت عنوان وابستگی متقابل^۱ در محافل علمی و دانشگاهی مطرح شد. نخستین بار ریچارد کوپر^۲ در مقالاتی چند به تبیین مفهوم وابستگی متقابل اقتصادی پرداخت. از نگاه وی، گسترش فناوری سبب شده نوعی روابط متقابل میان دولت‌ها شکل گرفته و حتی دشمنان دیروز را به هم وابسته سازد. او معتقد است که حساسیت‌های ملی دوسویه چه به‌صورت آگاهانه و چه ناآگاهانه نسبت به پیشرفت‌های طرف مقابل، سبب وابستگی متقابل می‌شود. دولت‌ها و جوامع در قبال رویدادهایی که در پیرامون آن‌ها و حتی در دیگر مناطق و کشورها روی می‌دهد، آسیب‌پذیرند و کاهش آسیب‌ها در گرو آن است که نه تنها خود، بلکه دیگران هم از ثبات و رونق اقتصادی برخوردار شوند. به باور کوپر، پیشرفت‌های فناوری در حوزه حمل‌ونقل، ارتباطات، سرعت و اطمینان نسبت به جابجایی کالا، سرمایه، افراد، اطلاعات و ایده‌ها را در طول مرزهای ملی افزایش داده و در نتیجه منجر به وابستگی متقابل خواهد شد.

سپس رابرت کوهین^۳ و جوزف نای^۴ در انتقاد از نظریه واقع‌گرایی، با طرح نظریه وابستگی متقابل نامتقارن یا پیچیده^۵ چگونگی تغییر ماهیت سیاست بین‌الملل تحت تأثیر وابستگی متقابل را مورد بررسی قرار دادند (ایلخانی پور و بهرامی ۱۳۹۲: ۳۲). هدف کوهین و نای از طرح این نظریه ارائه یک چارچوب مکمل برای قدرت در روابط بین‌الملل بود. آن دو در تعریف خود از وابستگی متقابل، آن را براساس دو اصطلاح «حساسیت» و «آسیب‌پذیری» تبیین کردند. بر این اساس وابستگی متقابل برای گروهی از کشورها به کار می‌رود که شرایط اقتصادی یکی

^۱. Interdependence Theory

^۲. Richard Cooper

^۳. Robert Keohane

^۴. Joseph Nye

^۵. Asymmetrical Interdependence or Complex Interdependence

بسته به شرایط موجود در دیگری است (حساسیت) و در صورت گسست رابطه بین آن‌ها، دو طرف متحمل هزینه متقابل زیادی خواهند شد (آسیب‌پذیری) (فیروزآبادی و دیگران ۱۳۹۸: ۷۴-۷۵). مفاهیم بنیادین وابستگی متقابل شامل: وابستگی متقابل، قدرت، حساسیت، آسیب‌پذیری، هزینه، تقارن و عدم تقارن می‌باشد. کوهین و نای معتقدند که وابستگی متقابل الزاماً با منافع متقابل توأم نیست (Keohane & Nye 2012: 43).

وابستگی متقابل و پیچیده ناظر به وضعیتی است که در آن شبکه‌های ارتباطی متعدد بین جوامع مختلف وجود داشته، اما هیچ سلسله‌مراتب مشخصی در دستور کار روابط میان دولت‌ها وجود ندارد و نیروهای نظامی توسط دولت‌های مرتبط استفاده نمی‌شوند (Keohane & Nye 2012: xxiii). در دنیای وابستگی متقابل و پیچیده، دولت‌ها برای رفاه خود متقابلاً به یکدیگر وابسته هستند. هر برآیندی در زندگی بین‌المللی بسته به آن است که در این طیف یک دولت از چه موقعیت و جایگاهی برخوردار است (Keohane & Nye 2012: xv).

وابستگی متقابل نامتقارن نیز به آن معنا است که در این وابستگی دوسویه، الزاماً منافع دو طرف بر هم منطبق نیست. در این نوع وابستگی عموماً یک طرف معامله سود بیشتر یا حتی زیان کمتر حاصل می‌کند. در وابستگی متقابل نامتقارن تجاری، قدرت نصیب طرفی خواهد شد که توانایی تحمیل کنار کشیدن یا قطع کامل پیوندهای تجاری را داشته باشد (ایلخانی پور و بهرامی ۱۳۹۲: ۳۲). این نظریه براساس اصل تسری صرفاً به عرصه‌های اقتصادی محدود نمی‌ماند، بلکه می‌تواند به دیگر حوزه‌ها از جمله امنیتی نیز سرایت یابد. در واقع کوهین و نای با بسط دیدگاه خود از وابستگی متقابل، آن را از طریق مفهوم وابستگی متقابل نامتقارن به مفهوم قدرت متصل می‌سازند. آن‌ها وابستگی متقابل نامتقارن را به مثابه یک منبع قدرت می‌نگرند که دارای توانایی آسیب‌پذیری است. به این ترتیب کشور کمتر وابسته، به دلیل در اختیار داشتن منابع سیاسی بیشتر، توانایی افزون‌تری برای انطباق با شرایط جدید دارد.

در حوزه انرژی، همکاری بین کشورهایی که در همسایگی یکدیگر واقع‌اند، با توجه به اصل مجاورت، می‌تواند به وابستگی امنیتی بین بازیگران آن منطقه و درنهایت ایجاد یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تبدیل شود. قدرت به معنای توانایی یک بازیگر برای وادار کردن دیگران به انجام کاری است که در غیراین صورت انجام نمی‌داد. عدم توازن در وابستگی متقابل و به همین نحو عدم تقارن در آسیب‌پذیری نیز یک منبع مهم قدرت به شمار می‌رود. گرچه افزایش سطح تجارت می‌تواند به افزایش وابستگی اقتصادی شرکا کمک کند اما ممکن است به توزیع متوازن

آسیب‌پذیری منجر نشود. جنگ‌ها نتیجه محاسبات استراتژیک‌اند و نه منافع اقتصادی، بنابراین میزان تهاجم در روابط بین‌الملل چندان تغییری نخواهد کرد (فیروزآبادی و دیگران ۱۳۹۸: ۷۷).

روابط نامتقارن انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا

رابطه میان اتحادیه اروپا و روسیه به دلیل وابستگی بالای اتحادیه اروپا به انرژی صادراتی روسیه و نیاز آن اتحادیه به امنیت و ثبات در این حوزه، به نحو فزاینده‌ای دارای مشخصه وابستگی نامتناسب و نامتقارن است. اتحادیه اروپا از حیث جغرافیایی، نهادی، جمعیتی و اقتصادی و حتی از نظر نیازها یا سیاست‌های انرژی کشورهای عضو یک‌نهاد همگن نیست. به دلیل وجود همین ناهماهنگی‌ها در درون اتحادیه اروپا و نیز منافع ناهمگون کشورهای عضو، این اتحادیه در اتخاذ سیاستی واحد در حوزه انرژی و رویکرد منسجم و یکپارچه در ارتباط با نحوه تعامل با روسیه پیرامون انرژی ناتوان بوده و در مقابل چنین امکانی برای روسیه فراهم شده تا با بهره‌گیری از ناهمگنی موجود در درون اتحادیه، از این فرصت برای شکل‌دهی به یک رابطه وابستگی متقابل نامتقارن بهره‌گیرد.

روند تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا و منافع ناهمگون اعضا در پدید آمدن این وضع مؤثر بوده است. در اتحادیه اروپا همواره بین نیمی از کشورهای عضو که روسیه تأمین‌کننده اصلی و مسلط گاز آن‌ها است و نیم دیگر که عمدتاً گاز خود را از سایر تأمین‌کنندگان گاز و یا منابع داخلی تأمین می‌کنند، تفاوت دیدگاه آشکاری وجود دارد. از ۱۴ کشور عضو اتحادیه اروپا که روسیه تأمین‌کننده مسلط انرژی آن‌ها است، شش کشور شامل بلغارستان (حدود ۹۹٪)، اسلواکی (حدود ۹۹٪)، استونی (۱۰۰٪)، فنلاند (۱۰۰٪)، لیتوانی (۱۰۰٪) و لتونی (۱۰۰٪) به گاز روسیه وابسته هستند (Gleb, 2007). از بین سه کشور بزرگ اروپایی، هرچند آلمان بخش قابل توجهی از گاز موردنیاز خود را از نروژ و یا به صورت گاز طبیعی مایع تهیه می‌نماید، اما در عین حال بیشترین اتکا به گاز روسیه دارد. این در حالی است که دو کشور دیگر بریتانیا (از طریق تأمین داخلی) و فرانسه (از طریق نروژ) گاز خود را تأمین و هیچ وابستگی به روسیه ندارند. در نتیجه، عمده طرف‌های نیازمند به گاز روسیه در اتحادیه اروپا، کشورهای کوچک‌تری هستند که در شرق اتحادیه واقع شده‌اند.

نگرانی کشورهای اروپایی نیز با میزان وابستگی به انرژی روسیه و در نتیجه سطح آسیب‌پذیری آن‌ها متفاوت است. کشورهای حوزه شرق اروپا بیش از سایر کشورهای اروپایی در برابر اختلال در جریان واردات انرژی از روسیه آسیب‌پذیر هستند، زیرا در کوتاه‌مدت بدیل دیگری

جز انرژی روسیه در اختیار ندارند. منافع ناهمسان گاز در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، عمده‌ترین مانع جهت تدوین یک سیاست انرژی کارآمد و منسجم بوده است. واقع امر آنکه بخش غربی اروپا در مقایسه با کشورهای شرقی عضو اتحادیه، با سهولت بیشتری از عهده حفاظت از امنیت انرژی در برابر وابستگی از روسیه برآمده‌اند. با این حال، همان‌گونه که در جریان اختلاف نظر بین حامیان خط لوله غیرروسی ناباکو و طرفداران جریان جنوبی مورد حمایت روسیه مشاهده شد، نیل به همگرایی میان کشورهای عضو اتحادیه بسیار دشوار است.

علاوه بر تفاوت منافع اعضا، سیاست انرژی اتحادیه اروپا با این محدودیت حقوقی نیز مواجه است که صلاحیت انحصاری جهت اتخاذ یک سیاست واحد در قبال انرژی را ندارد. در واقع، معاهده لیسبون اختیارات بیشتری به اتحادیه اروپا برای تدوین سیاست انرژی، به ویژه صلاحیت اتخاذ اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از تهدیدات امنیتی عطا کرد. با این حال، به دلیل آنکه سیاست انرژی موضوعی حاکمیتی برای کشورهای عضو به شمار می‌رود، تصمیم‌گیری پیرامون این موضوع نیازمند اجماع تمامی کشورهای عضو است. این امر خود به نحو قابل توجهی مانع از توانایی آن اتحادیه برای ایجاد یک سیاست منسجم و کارآمد در حوزه انرژی شده است.

کمبود منابع داخلی و دشواری در مسیر تنوع بخشی به دیگر منابع تأمین کننده انرژی، موجب وابستگی فزاینده پاره‌ای کشورهای عضو اتحادیه اروپا به روسیه طی چند دهه اخیر شده است. اگرچه اتحادیه اروپا تلاش‌های هماهنگی را برای تنوع بخشی به تأمین انرژی و همچنین اجرای اصلاحات باهدف کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی انجام داده، اما همچنان به روسیه وابسته مانده است.

شرکت‌های انرژی روسیه همواره در تلاش بوده‌اند تا طرف‌های اروپایی را هرچه بیشتر به انرژی آن کشور وابسته نمایند. به دلیل ارتباط بسیار نزدیک بین صنعت انرژی و کرم‌لین، شرکت‌های نفت و گاز روسیه بعضاً استراتژی‌هایی را دنبال کرده‌اند که فاقد منطق اقتصادی بوده، اما در خدمت منافع بلندمدت دولت روسیه قرار داشته و سبب تداوم وابستگی اروپا به منابع انرژی روسیه شده‌اند. در نتیجه چنین فرآیندی، تسلط گازپروم بر بازار گاز طبیعی اروپا به‌طور فزاینده‌ای نگرانی‌ها را در میان سیاست‌گذاران اروپایی تشدید کرده است (Norling, 2007: 2). در همین راستا، اتحادیه اروپا به تدوین استراتژی انرژی و نهادینه کردن آن به‌عنوان یک خط‌مشی داخلی روی آورده تا وابستگی به انرژی روسیه و ترانزیت از طریق اوکراین را کاهش دهد.

طی سال‌ها همکاری میان روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، مسکو از ضعف اروپا در تأمین انرژی و دغدغه‌های آن اتحادیه پیرامون امنیت انرژی به‌خوبی آگاهی داشته است. در دو دهه گذشته و به‌ویژه از زمانی که در پی اختلافات گازی روسیه با اوکراین، روابط انرژی میان بروکسل و مسکو تیره‌تر شد، تمرکز عمده اتحادیه اروپا بر همین موضوع استوار بوده است.

فقدان یک سیاست هماهنگ در خصوص انرژی در بین اعضای اتحادیه اروپا به مسکو اجازه داد تا از اجرای طرح‌های بلندمدت اتحادیه اروپا از طریق احداث و بهره‌برداری از خطوط جدید لوله گاز از مبدأ دریای خزر به اروپا جلوگیری و همچنان مانع از انتقال گاز قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان از طریق خطوط لوله به اروپا شود. عدم همسویی، همراهی و یکدستی کلیه کشورهای اروپایی، به‌دفعات اجرای استراتژی هماهنگ انرژی اتحادیه اروپا را با مشکل مواجه کرده است. روسیه با درک تفاوت میان سطح نیاز کشورهای اروپایی به انرژی آن کشور، از طرق مختلف و حتی با استفاده از دیپلماسی شخصی سعی کرده هرچه بیشتر از ابزار انرژی برای ایجاد شکاف میان اعضای اتحادیه اروپا بهره‌گیری و از این طریق اتحادیه اروپا را از اجرای یک استراتژی انرژی واحد در برابر روسیه بازدارد.

واکنش‌های غرب اتحادیه اروپا به سیاست‌های انرژی روسیه اغلب ضعیف، ناهماهنگ و تا حدی ناکارآمد بوده و تأثیر چندانی بر تغییر رفتار کرملین نداشته است. مخالفت‌های بی‌اثر اتحادیه اروپا و رویکردهای مغایر برخی کشورهای عضو، کرملین را به این نتیجه رسانده که اتحادیه مذکور در برابر ابزار انرژی روسیه ناتوان بوده و اراده‌ای واحد برای تأثیرگذاری بر رفتار روسیه ندارد.

پذیرش سریع پروژه خط لوله گاز جریان شمالی توسط کمیسیون و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵، سردرگمی و ناتوانی اروپا در اجرای سیاست خارجی و امنیتی مشترک را به‌خوبی نشان داد. حمایت اتحادیه اروپا از خط لوله مذکور و فراتر از آن اعلام آمادگی جهت همکاری در ساخت خط لوله جریان جنوبی، سیاست متنوع‌سازی منابع و مسیر انرژی توسط اتحادیه اروپا را به خطر انداخت و به تشدید نفوذ روسیه در اقتصادهای مهم اروپا منجر شد. از طرفی سیاست انرژی روسیه از سال ۲۰۰۵ به بعد در قیاس با قبل از آن انعطاف کمتری داشته است. واکنش بطلی غرب، به شرکت‌های دولتی روسیه فرصت داد تا قراردادهای دوجانبه بیشتری را با تک‌تک دولت‌های غربی که مشتاق بودند با کمک شرکت‌های تابعه کشور خویش در امر سرمایه‌گذاری در تولید انرژی در روسیه مشارکت نمایند، منعقد کنند.

سیاسی شدن تدریجی روابط انرژی روسیه با کشورهای مهم عضو اتحادیه اروپا، این کشورها را وادار ساخت تا سیاست خارجی انرژی خود را به طور خودکار توسعه دهند. تلاش شورا و کمیسیون اروپا همواره بر این نکته استوار بوده که سیاست خارجی و امنیتی مشترک پیرامون انرژی را به گونه‌ای شکل دهند که به وسیله آن اتحادیه اروپا بتواند صدای واحدی را انعکاس دهد؛ اما تفاوت سطح نگرانی دولت‌های عضو از کاربست ابزار انرژی توسط روسیه، سبب شد تا اتحادیه نتواند رویکرد سیاسی مشترکی در قبال آن کشور اتخاذ نماید (Dusseault, 2009: 40-41).

روابط انرژی میان روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی همواره با چالش نا اطمینانی نسبت به ترانزیت منظم گاز روسیه از طریق اوکراین به اتحادیه اروپا مواجه بوده و بدین منظور مسکو پروژه‌هایی را باهدف ایجاد زیرساخت‌های جدید برای صادرات گاز خود به اتحادیه اروپا از طریق دور زدن اوکراین دنبال کرده است. از سوی دیگر اتحادیه اروپا نیز با تصویب و اجرای قوانین موردنیاز در جهت آزادسازی بازار داخلی گاز اقدام کرده که به نوبه خود بر تجارت شرکت روسی گازپروم روسیه که انحصار صادرات انرژی در این کشور را به عهده دارد، تأثیر گذاشته است.

از دیگر چالش‌های مهم در تجارت گاز میان روسیه و اتحادیه اروپا، قوانین اتحادیه در مورد آزادسازی بازار داخلی انرژی بود. در سال ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و مقررات را به تصویب رساند که در مجموع به عنوان بسته انرژی سوم نامیده می‌شد و هدف از آن آزادسازی و یکپارچه‌سازی بازارهای ملی گاز بود. این قوانین دست روسیه را در مالکیت تولید گاز در اروپا می‌بست زیرا به طور هم‌زمان مالکیت بر عرضه و توزیع گاز را منع می‌کرد. روسیه به عنوان بخشی از استراتژی انرژی خارجی خود، در صدد برآمد برخی شرکت‌های توزیع‌کننده گاز طبیعی و نیز تعدادی پمپ‌بنزین‌های زنجیره‌ای در اروپای غربی را خریداری نماید، اما به دلیل حساسیت کشورهای اروپایی، این امر محقق نشد (Smith, 2007: 3).

۱. راهبردهای انرژی روسیه

راهبردهای انرژی روسیه با سیاست و ژئوپلیتیک پیوند عمیق دارد. در چند دهه اخیر نفت و گاز از ابزارهای مهم سیاست خارجی روسیه بوده است. رابطه بین سیاست و انرژی عموماً از طریق مفهوم امنیت انرژی آن‌هم توسط تأمین‌کننده و یا مصرف‌کننده تفسیر می‌شوند. در عین حال سیاست خارجی انرژی روسیه خود از رقابت‌های ژئوپلیتیک دوران گذار، اقتصاد

جهانی و همچنین تحولات منطقه‌ای و پویایی بازار انرژی تأثیر پذیرفته است. روسیه از منابع نفت و گاز طبیعی و انتقال آن‌ها به بازارهای مصرف در جهان و به‌ویژه اروپا به‌عنوان یک ابزار مهم جهت کسب نفوذ سیاسی هرچه بیشتر در مجموعه شوروی سابق استفاده کرده است. کاربست انرژی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی توسط روسیه قبل از همه در محیط پیرامونی و همسایگی خود را نشان داده است.

علیرغم آنکه کشورهای حوزه مشترک‌المنافع دارای استقلال سیاسی هستند، اما از نگاه مسکو این کشورها در حوزه منافع حیاتی روسیه و در محیط امنیتی این کشور قرار دارند. در سلسله‌مراتب دیپلماسی روسیه، خاور نزدیک به‌عنوان اولویت نخست آن کشور به شمار رفته و این منطقه در شکل‌دهی به ساختار دیپلماسی روسیه نقش کلیدی دارد. در عین خارج نزدیک حال نقطه تقابل روسیه و غرب به شمار می‌رود. روابط روسیه با کشورهای این حوزه اهمیتی فراتر از مناسبات معمول میان دو همسایه دارد. مسکو نسبت به حضور قدرت‌های بزرگ در این منطقه بسیار حساس بوده و آن را بر نمی‌تابد. به همین منظور از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، حفظ و اعاده روابط ویژه سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی هدفی تغییرناپذیر برای مسکو بوده است. اشکال مختلف روابط دو و چندجانبه بر مدار این اهداف سیر می‌کنند.

وابستگی برخی کشورهای حوزه مشترک‌المنافع از جمله اوکراین به انرژی روسیه، به مسکو امکان داده تا از انرژی به‌عنوان یک ابزار قدرت سیاسی در قبال آن‌ها استفاده کند. گرچه اوکراین به انرژی روسیه وابسته است، اما روسیه نیز در برابر اختلال در ترانزیت انرژی به اروپا از طریق اوکراین سخت آسیب‌پذیر می‌باشد. اوکراین به‌دفعات نشان داده که می‌تواند در جریان انتقال گاز روسیه به اروپا مانع ایجاد و از آن در جهت اهداف و مصارف داخلی خود استفاده نماید.

مسکو با آگاهی از نیاز اوکراین به انرژی آن کشور و نیز درآمدهای سرشار حاصل از ترانزیت، از طرق مختلف از این ابزار جهت تأثیرگذاری بر راهبردهای سیاست خارجی اوکراین استفاده کرده است. از جمله ابزارهای مورد استفاده روسیه در قبال اوکراین می‌توان به متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی، پرداخت سوبسیدهای استراتژیک به رژیم‌های همسو، اخذ مابازاء استراتژیک در قبال تخفیف‌های انرژی، افزایش قیمت، کاهش و حتی قطع جریان گاز، تحمیل قراردادهای بلندمدت با شرایط موردنظر و استفاده از ابزار انرژی جهت تغییر رفتار رژیم‌های واگرا در اوکراین نام برد.

متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی. روسیه با بیش از ۴۶۰۰۰ کیلومتر خط لوله نفت و ۱۵۲۰۰۰ کیلومتر خط لوله گاز، بزرگ‌ترین دارنده خطوط لوله در جهان است. عمده این

خطوط از دهه ۱۹۶۰ به بعد و در دوره شوروی سابق احداث شده‌اند. پس از فروپاشی شوروی نیز با احداث خطوط لوله جدید، ظرفیت انتقال گاز صادراتی روسیه افزایش قابل‌ملاحظه‌ای یافته است. نقطه اشتراک تمامی آن‌ها، افزایش عرضه انرژی به اروپا، وابسته نمودن بیشتر کشورهای عضو اتحادیه به انرژی روسیه، دور زدن اوکراین و کاستن از نقش، اهمیت و جایگاه ترانزیتی این کشور بوده است.

روسیه دارای مسیرهای چندگانه‌ای برای صدور گاز به بازارهای مصرف است که عمده‌ترین بازار برای روسیه، اروپا و مهم‌ترین مسیر اوکراین است. از پنج مسیر انتقال گاز به اروپا از قلمرو اوکراین، چهار مورد در زمان شوروی و یکی از آن‌ها بعد از فروپاشی شوروی احداث شده است. علیرغم آنکه خطوط لوله موجود در اوکراین ظرفیتی را برای انتقال حدود ۴۰٪ گاز صادراتی روسیه به اروپا دارد، اما رویکردهای واگرایانه کی‌یف سبب شده تا روسیه با مشارکت برخی کشورهای اروپایی پروژه‌های جدیدی را جهت انتقال انرژی به اروپا با دور زدن اوکراین طراحی و بسیاری از آن‌ها را به اجرا درآورد.

یک خط لوله نیز در سال ۱۹۹۹ احداث و با عبور از خاک بلاروس (و بدون عبور از اوکراین) کار انتقال گاز روسیه به اروپا را به انجام می‌رساند. علاوه بر آن‌ها، یک خط لوله دیگر موسوم به جریان شمالی^۱ جهت انتقال مستقیم گاز از روسیه به آلمان احداث شده است. ظرفیت انتقال گاز از این مسیر ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال می‌باشد (Božić et al., 2020). علاوه بر مسیرهای فوق، خطوط لوله کم‌اهمیت‌تری نیز وجود دارند که نیازهای فنلاند و کشورهای بالتیک را تأمین می‌نمایند.

علاوه بر آن، انتقال گاز از مسیر جنوب یکی از راهبردهای مهم روسیه در یکی دو دهه اخیر بوده است. ترکیه، پس از اتحادیه اروپا، بزرگ‌ترین خریدار گاز روسیه به شمار می‌رود. از طرفی ترکیه سخت در تلاش است تا به هاب انرژی در منطقه تبدیل شود. روسیه با استفاده از فرصت و باهدف دور زدن اوکراین، متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی و تأمین نیازهای اروپای جنوب شرقی به گاز، نگاه خود را به سمت ترکیه معطوف داشته است.

جریان آبی^۲ اولین خط لوله مستقیم گاز بین روسیه و ترکیه است که در سال ۲۰۰۳ به بهره‌برداری رسید. این خط لوله مکمل کریدور انتقال گاز موجود از روسیه به ترکیه از مسیر خشکی است که از خاک اوکراین، مولداوی، رومانی و بلغارستان عبور می‌کند. خط لوله مذکور

^۱. Nord Stream

^۲. Blue Stream

۱۲۱۳ کیلومتر طول دارد که ظرفیت سالانه آن ۱۶ میلیارد مترمکعب بوده و از زیر دریای سیاه عبور می‌کند.

مسکو باهدف دور زدن بیشتر اوکراین و نیز تقابل با طرح‌های غربی درزمینه انرژی نظیر ناباکو^۱، پیشنهادی را جهت احداث خط لوله‌ای موسوم به جریان جنوبی^۲ در سال ۲۰۰۷ مطرح ساخت. ظرفیت این خط لوله که خود به دوشاخه تقسیم می‌شود ۶۳ میلیارد مترمکعب در سال است (Baev and Øverland, 2010). در دسامبر ۲۰۱۳ و درحالی‌که خط لوله جریان شمالی به‌تازگی به بهره‌برداری رسیده بود، کمیسیون اروپا در اقدامی محدودکننده اعلام داشت که توافقنامه‌های مذکور باید مورد بازبینی و مذاکره مجدد قرار گیرند. به‌زعم کمیسیون اروپا، قراردادهای یادشده ناقض قوانین و مقررات اتحادیه اروپا به‌ویژه مقررات منع مالکیت هم‌زمان شبکه‌های انتقال انرژی توسط تولیدکنندگان انرژی بودند. این موضع کمیسیون در تصمیم دسامبر ۲۰۱۴ ولادیمیر پوتین برای لغو پروژه فوق‌الذکر بی‌تأثیر نبود.

گرچه تشدید اختلافات گازی میان روسیه و اوکراین و موفقیت‌های اولیه جریان شمالی، انگیزه‌های مسکو برای پیگیری جریان جنوبی را تقویت کرد، اما پاره‌ای رویدادها نظیر الحاق کریمه به روسیه، وجود انبوهی از مشکلات، به‌ویژه مغایرت احتمالی خط لوله جریان جنوبی با قوانین مندرج در معاهده جامعه انرژی اتحادیه اروپا و بیانیه غیرالزام‌آور پارلمان اروپا مبنی بر مخالفت با خط لوله جریان جنوبی، اجرای این خط را در هاله‌ای از ابهام فروبرد.

به‌دنبال رها شدن پروژه جریان جنوبی، در سال ۲۰۱۴ پروژه جدیدی تحت عنوان جریان ترک^۳ مطرح شد. سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان، خط لوله جدیدی به نام ترک استریم جایگزین جریان جنوبی شد و در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰ به بهره‌برداری رسید. طول این مسیر حدود ۹۳۰ کیلومتر است که از دو خط لوله موازی تشکیل شده که هر یک ۱۵.۷۵ میلیارد مترمکعب (جمعاً ۳۱.۵ میلیارد مترمکعب) در سال ظرفیت دارند. خط لوله نخست گاز موردنیاز در داخل ترکیه را تأمین می‌کند و مقرر است خط لوله دوم در صورت احداث و تکمیل، گاز بخشی از مناطق شرق اروپا را تأمین نماید (Congressional Research Service, 2021).

تا پیش از بهره‌برداری از خط لوله جریان شمالی، حدود ۷۵ تا ۸۰ درصد گاز صادراتی روسیه از طریق اوکراین به اروپا صادر می‌شد، اما در سال ۲۰۱۳ و باآنکه نیمی از ظرفیت خط لوله جریان شمالی (با حدود ۲۳.۵ میلیارد مترمکعب گاز در طول سال) مورد استفاده قرار

^۱. Nabucco

^۲. South Stream

^۳. Turk Stream

گرفت، میزان صادرات گاز روسیه از مسیر اوکراین به اروپا به حدود ۵۷ درصد کاهش یافت. چنانچه از هر دو خط لوله جریان شمالی به طور کامل استفاده می‌شد، وابستگی روسیه به مسیر اوکراین به کمتر از ۴۰٪ کاهش می‌یافت. به عبارتی با در نظر داشت اینکه ظرفیت کل خطوط لوله گاز اوکراین به کشورهای ثالث حدود ۱۸۲/۹ میلیارد مترمکعب در سال است، در صورت تکمیل و بهره‌برداری از هر دو خط لوله فوق، این خط لوله قادر بود معادل ۶۰٪ از ظرفیت خطوط لوله انتقال گاز اوکراین کاسته و به خود اختصاص دهد (Nord Stream AG, 2012).

چین از دیگر کانون‌های توجه روسیه برای انتقال انرژی است؛ زیرا مسکو علی‌رغم تلاش فراوان برای تشدید وابستگی اروپا به منابع انرژی آن کشور، این رابطه را دارای فراز و نشیب می‌بیند. از این رو صرفاً به تأمین انرژی اروپا محدود نمانده و تلاش‌هایی را به منظور تصاحب بخشی از بازار بزرگ چین انجام داده است.

پرداخت سوبسیدهای استراتژیک. در سال‌های پس از فروپاشی، روسیه به طور معمول به رژیم‌های همسو به‌ویژه اوکراین سوبسیدهای استراتژیک پرداخت کرده به‌گونه‌ای که بهای پرداختی این قبیل کشورها برای انرژی رقمی بسیار نازل‌تر از بهای جهانی آن بوده است. در عین حال آنگاه که دولت‌های ناهم‌سو با سیاست‌های روسیه بر این کشورها حاکم شده‌اند، سوبسیدها کاهش یافته و بهای انرژی به قیمت جهانی نزدیک شده است. پس از مجادله‌گازی میان مسکو و کی‌یف در اواخر سال ۲۰۰۸ و اوایل سال ۲۰۰۹، کرملین عملاً به سیاست ارائه گاز ارزان به اوکراین پایان داد (Smith, 2016: 90).

اخذ مابه‌ازاء استراتژیک در قبال تخفیف‌های انرژی. پس از فروپاشی شوروی، از آنجاکه شبه‌جزیره کریمه در قلمرو سرزمینی اوکراین قرار داشت، چگونگی ادامه استقرار ناوگان دریای سیاه که از سال ۱۷۸۳ در سواستوپول^۱ مستقر بود، به مسئله‌ای غامض میان مسکو و کی‌یف تبدیل شد. سرانجام موافقت گردید ناوگان مذکور در ازای پرداخت اجاره به اوکراین، همچنان در آن شهر مستقر بماند. پس از پیروزی ویکتور یوشچنکو نامزد مورد حمایت غرب در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در سال ۲۰۰۴ میلادی، دولت جدید اوکراین اعلام داشت که تصمیمی به تمدید قرارداد مذکور ندارد. این در حالی بود که ادامه حضور ناوگان مذکور در دریای سیاه اولویتی بزرگ و استراتژیک برای روسیه به شمار می‌رفت. قرارداد مذکور پیش از آنکه تاریخ آن منقضی شود، در جریان دیدار روسای جمهور وقت روسیه و اوکراین در شهر خارکف^۲ در سال ۲۰۱۰ در ازای کاهش ۳۰ درصدی بهای گاز، برای مدت ۲۵ سال دیگر تمدید

^۱. Sevastopol

^۲. Kharkov

شد (EURACTIV, 2010). در عین حال، از آنجاکه اوکراین متعهد به پرداخت بهای گاز براساس نرخ سیال «روپایی» و به شیوه پرداخت نقدی گردید، موافقت‌نامه خارکف عملاً سودی را عاید اوکراین نکرد.

کاهش و یا قطع جریان گاز و تحمیل قیمت. روسیه به کرات دولت‌هایی را که جهت‌گیری مغایر با خواست و علائق آن کشور داشته‌اند از طریق کاهش جریان گاز، قطع گاز و تحمیل قیمت‌های موردنظر تحت فشار قرار داده است. نخستین بار در زمان لئونید کراوچوک^۱ اولین رئیس‌جمهور اوکراین (۱۹۹۴-۱۹۹۱)، روابط روسیه و اوکراین به دلیل اتخاذ رویکرد غرب‌گرایانه از سوی دولت وی روبه سردی گرائید. جهت‌گیری فوق همراه با انباشت بدهی بهای گاز دریافتی از روسیه و عدم توانایی دولت اوکراین در پرداخت آن موجب شد گازپرور صادرات گاز به اوکراین را کاهش دهد. این اقدام خود باعث شد حجم صادرات گاز به اروپا کاهش یابد، زیرا هیچ ابزاری برای وادار نمودن کی‌یف به عدم برداشت از خطوط لوله انتقال گاز روسیه به اروپا وجود نداشت (Miller, 2003: 373).

روسیه در سال ۱۹۹۵ نیز بهای گاز صادراتی خود به اوکراین را حتی فراتر از قیمت آن در بازار جهانی افزایش داد (Leijonhielm and Larsson, 2004: 121) عدم توانایی اوکراین در تأدیه بدهی‌های خود بابت خرید انرژی از روسیه باعث شد تا مسکو، کی‌یف را به انعقاد قراردادهای بلندمدت و به صورت «نقدی» مجبور سازد. هم‌زمان با بحران اقتصادی سال ۱۹۹۸، روابط روسیه و اوکراین بار دیگر به واسطه اختلاف بر سر بهای گاز و عدم پرداخت بدهی ۱/۶ میلیارد دلاری کی‌یف به مسکو رو به وخامت نهاد (Stern, 2005: 96). در نتیجه روسیه صادرات نفت و برق به اوکراین را موقتاً در نوامبر ۱۹۹۹، متوقف کرد. سپس بنا به خواست و اصرار روسیه قالب قراردادی جدیدی جایگزین توافقات قبلی شد که به موجب آن قیمت گاز و هزینه ترانزیت به طور متقابل به هم گره خورده و شیوه پرداخت بهای گاز به «نقد» تبدیل شد. علاوه بر این، قرارداد موجود زمینه را برای سرمایه‌گذاری روسیه در زیرساخت‌های گاز اوکراین و همچنین سرمایه‌گذاری مشترک مهیا کرد (Stern, 2006).

به دنبال انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴، مسکو تلاش دولت یوشچنکو برای نزدیکی با غرب را به باد انتقاد گرفت و جهت اعمال فشار بر کی‌یف، بر لزوم بازنگری در قرارداد گاز سال ۲۰۰۴ تأکید ورزید (Smith, 2006: 84). مسکو به یکباره خواهان بهای گاز صادراتی به اوکراین را از ۵۰ دلار به ۲۳۰ دلار در هر هزار مترمکعب افزایش داد که حاکی از تغییری

^۱. Leonid Kravchuk

حدوداً چهار برابری بود. رئیس‌جمهور جدید اوکراین برای تأمین گاز موردنیاز کشورش به ترکمنستان متوسل شد و موافقت‌نامه همکاری استراتژیک تا سال ۲۰۲۶ را با عشق‌آباد به امضا رساند. طبق توافقات به‌عمل‌آمده، مقرر شد، ترکمن نفت از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۶ سالانه ۵۰ تا ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز به اوکراین صادر کند (Stern, 2006: 4)، اما چندی بعد در آوریل ۲۰۰۸ انفجاری در خط لوله انتقال گاز ترکمنستان در خاک روسیه به وقوع پیوست و صدور گاز ترکمنستان برای مدتی طولانی متوقف گردید.

در ژانویه ۲۰۰۶ بار دیگر روسیه به قطع جریان انتقال گاز به اوکراین مبادرت ورزید (Hadfield, 2008: 240) تا آن‌که چند روز پس‌از آن دو شرکت گازپروم روسیه و نفت گاز اوکراین با امضای یک قرارداد پنج‌ساله به مناقشه گازی فی‌مابین پایان دادند. به‌موجب این توافق، به جای تحویل مستقیم گاز به دولت اوکراین، تحویل گاز به یک شرکت مشترک جدیدالتأسیس به نام «روس اوکرانرگو» واگذار شد. همچنین براساس توافق مذکور، مقرر گردید شرکت مذکور سالیانه تا ۴۱ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان، ۷ میلیارد مترمکعب گاز ازبکستان، ۸ میلیارد مترمکعب گاز قزاقستان و ۱۷ میلیارد مترمکعب گاز روسیه را باقیمت پایه ۲۳۰ دلار در هر هزار مترمکعب به اوکراین تحویل نماید (Stern, 2006: 9).

در اواخر سال ۲۰۰۸ بار دیگر اختلاف میان کی‌یف و مسکو در خصوص گاز شدت گرفت. تا آن‌که در پی دیدارهای مقامات سطوح بالای اوکراین از روسیه، روسای گازپروم روسیه و نفت و گاز اوکراین قرارداد عرضه و ترانزیت را امضا کردند که یک دوره ده‌ساله (۱۹-۲۰۰۹) را پوشش می‌داد. براساس این توافق‌نامه، بهای گاز طبیعی صادراتی روسیه به اوکراین برای سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۰ میلادی ۳۰۵ دلار و برای سه‌ماهه دوم آن سال ۳۳۰ دلار تعیین شد. در قرارداد مورد اشاره توافق شد که از سال ۲۰۱۰ به بعد، اوکراین سالانه ۵۲ میلیارد مترمکعب گاز (با حداقل ۸۰ درصد و حداکثر ۱۲۰ درصد) میانگین نرخ اروپا که براساس ۵۰ درصد بهای نفت و گاز طی سه فصل گذشته محاسبه می‌شود، دریافت کند (Pirani et al., 2009: 26). در مورد حجم و قیمت ترانزیت گاز نیز دو طرف به‌موجب بند ۸ قرارداد فی‌مابین، توافق کردند که حجم گاز ترانزیتی به کمتر از ۱۱۰ میلیارد مترمکعب در سال نرسد و تعرفه نیز شامل نیمی از ۲/۰۴ دلار به‌اضافه ۵۰ درصد تعرفه سال قبل به‌اضافه نرخ تورم اتحادیه اروپا باشد (Pirani et al., 2009: 27).

به‌دنبال اعتراضات خیابانی موسوم به انقلاب میدان در اوکراین در سال ۲۰۱۴ که با حمایت غرب انجام و به سقوط دولت روس‌گرای یانوکوویچ انجامید، تنش‌ها بین مسکو و کی‌یف به نحو

چشمگیری افزایش یافت. این منازعه بر تحویل گاز روسیه به اوکراین که برای مصارف خانگی و نیز صنعتی ضروری بود، تأثیر گذاشت. گفتگوهای بی‌حاصل دو طرف بر سر قیمت گاز و بازپرداخت بدهی‌های شرکت نفت و گاز از اوکراین به شرکت گازپروم روسیه، موجب شد شرکت روسی مذکور از تمدید توافقنامه موجود در اکتبر ۲۰۱۴ خودداری ورزد و بدین ترتیب تحویل گاز به اوکراین به حالت تعلیق درآید. در اواخر سپتامبر ۲۰۱۶، نیز به‌موجب توافق حاصله میان مسکو و کی‌یف، بهای گاز صادراتی به اوکراین به حدود ۲۲۷ دلار در هر هزار مترمکعب افزایش یافت. این میزان در مقایسه با متوسط بهای گاز در بازار جهانی حدود ۲۰ دلار کمتر بود.

استفاده از ابزار انرژی جهت تغییر رفتار رژیم‌های واگرا. در چند دهه گذشته روسیه با استفاده از «مفهوم انرژی» به‌عنوان یک ابزار سیاسی از طرق مختلف سعی کرده از این ابزار برای تأثیرگذاری بر مناسبات خود با کشورهای واقع در قلمرو شوروی سابق استفاده نماید. روابط بین کرملین و گازپروم که نقش انحصاری در صادرات گاز روسیه را عهده‌دار است، تأثیری مهم در اتخاذ راهبردها و سیاست‌های انرژی آن کشور داشته است. جایگاه وزارت انرژی روسیه نیز از آن حیث که از طریق ترسیم استراتژی انرژی این کشور در هدایت سیاست انرژی خارجی روسیه ایفای نقش می‌نماید، باید مهم تلقی کرد. به نظر می‌رسد در یک تقسیم‌کار مشترک، طراحی و اجرای فنی این استراتژی به گازپروم و اجرای جنبه‌های خارجی آن به-عنوان بخشی از ابزار سیاست خارجی روسیه به وزارت امور خارجه آن کشور سپرده شده است. مسکو انرژی را نقطه قوتی می‌پندارد که می‌توان به‌رغم ضعف در سایر حوزه‌ها، از این ابزار برای تعدیل رفتارهای مغایر با منافع و امنیت ملی آن کشور استفاده کرد. تصویر کلان از وضعیت ذخایر نفت و گاز روسیه، خطوط لوله، اسناد راهبردی و رویکرد انرژی آن کشور در این مدت نشان می‌دهد که مسکو هر زمان احساس نموده تهدیدی متوجه منافع ملی یا استراتژی منطقه‌ای آن کشور است، از انرژی به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی بهره گرفته است.

شواهد متعددی از استفاده روسیه از این ابزار برای تغییر، تعدیل رفتار و یا مجازات کشورهای واگرا که سابقاً بخشی از قلمرو شوروی بوده و یا در جرگه کشورهای بلوک شرق و عضو پیمان ورشو قرار داشته‌اند، وجود دارد. روسیه نخستین بار در سال ۱۹۹۰، باهدف ممانعت از استقلال کشورهای حوزه بالتیک، عرضه انرژی به این کشورها را قطع کرد. در سال ۱۹۹۲ و هنگامی که کشورهای حوزه بالتیک خواهان خروج باقیمانده نیروهای نظامی روسیه از این منطقه بودند، مسکو بار دیگر این ابزار را به کار گرفت. در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، روسیه

عرضه گاز به اوکراین را باهدف مجبور ساختن کی‌یف به پرداخت بدهی‌های قبلی بابت گاز و واگذاری ناوگان دریای سیاه و دیگر زیرساخت‌های انرژی اوکراین قطع کرد.

در سال ۲۰۰۴، روسیه باهدف در اختیار گرفتن سیستم خطوط لوله انتقال گاز موجود در بلاروس، عرضه گاز به این کشور را کاهش داد. این اقدام سبب شد تا عرضه گاز به لهستان و لیتوانی نیز با اختلال مواجه شود. در اقدامی دیگر، روسیه طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰، برای جلوگیری از فروش پالایشگاه، تأسیسات بندری و خطوط لوله لیتوانی به شرکت‌های غربی و واگذاری آن‌ها به شرکت‌های روس، ۹ بار جریان انتقال نفت خام به لیتوانی را متوقف کرد. حتی برخی کشورهای آسیای مرکزی نظیر قزاقستان و ترکمنستان هم از فشارهای مسکو متأثر بوده‌اند. در همین رابطه زمانی قزاقستان درصدد برآمد نفت موردنیاز پالایشگاه لیتوانی را تأمین کند، اما در نتیجه ممانعت مسکو، قادر به انجام آن نشد. در اقدامی دیگر روسیه باهدف کنترل بر بندر نفتی ونتسپیلس^۱ لتونی، انتقال تمامی محموله‌های نفتی به آن کشور را متوقف کرد. همچنین مسکو زمینه را برای اولیگارش‌های اوکراینی وابسته به تجارت با روسیه جهت کنترل بر گاز تحویلی و حتی صنایع نفت و گاز اوکراین هموار کرد. شایان ذکر است که حدود دوسوم پالایشگاه‌های اوکراین که خود ظرفیت پالایش سه‌چهارم نفت این کشور را در اختیار دارند، به شرکت‌های روس متعلق‌اند. تقریباً کل محصولات پالایش شده صادراتی در اوکراین به روسیه تعلق دارند. سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای اوکراین هم عموماً در چند دهه اخیر توسط روسیه تأمین شده است.

۲. راهبرد اتحادیه اروپا در حوزه انرژی

اروپا طی دو دهه اخیر با چالش‌های متعددی در حوزه انرژی روبرو بوده است. از جمله آن‌ها می‌توان به تشدید وابستگی به واردات، محدودیت تأمین‌کنندگان، افزایش بها و بی‌ثباتی، رشد تقاضای جهانی، خطرات امنیتی در کشورهای تولیدکننده و ترانزیت‌کننده، تغییرات آب‌وهوایی و پیشرفت اندک در بهره‌وری از انرژی می‌توان نام برد. باهدف غلبه بر چالش‌های مورد اشاره، اتحادیه اروپا در اسناد مختلف، راهبردهای خود در خصوص انرژی را تنظیم و عملیاتی کرده است. سه اصل دستیابی به بازار یکپارچه انرژی، امنیت عرضه و دسترسی به انرژی پایدار، هسته مرکزی راهبرد انرژی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد.

^۱. Вентспилс (Ventspils)

اتحادیه اروپا با درک استفاده روسیه از انرژی به عنوان ابزار سیاست خارجی، همواره به طرق مختلف تلاش نموده، اثرات بهره‌گیری از این ابزار توسط مسکو را تا سرحد ممکن کاهش دهد. تمرکز بر امنیت انرژی، نهادسازی و تصویب معاهدات و مقررات محدودساز علیه روسیه، متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان انرژی، متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی، ایجاد یک رابطه انرژی بازار محور، تأسیس بازار بورس معاملات انرژی، افزایش سهم انرژی‌های پاک در سبد کلی انرژی اتحادیه اروپا، حمایت از اوکراین در تأمین امنیت انرژی و سرمایه‌گذاری مشترک در امر تولید، استخراج و واردات انرژی از جمله اقدامات این اتحادیه است.

سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا در حوزه انرژی. در این ارتباط اسناد متعدد راهبردها و خط‌مشی اتحادیه اروپا در زمینه انرژی را ترسیم و تعیین کرده است. از جمله این اسناد می‌توان به معاهده تأسیس اتحادیه اروپا، شبکه‌های انرژی و بازار داخلی انرژی و سیاست خارجی انرژی اتحادیه اروپا و همچنین معاهده تأسیس جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا و معاهده تأسیس جامعه انرژی اتمی اروپا (موسوم به معاهده یورواتم) اشاره کرد.

در سندی موسوم به راهبرد لیسبون که در نشست سران اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰ تصویب شد، انرژی جایگاه برجسته‌ای داشت. به موجب این سند، اتحادیه اروپا برنامه‌ای درازمدت با رویکرد کاهش وابستگی به منابع نفت و گاز خارجی، کارآمدی مصرف، مدیریت تقاضا، انتقال امن انرژی از تأمین‌کنندگان خارجی به درون بازارهای مصرف در اروپا و متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان انرژی را مدون و به اجرا نهاد.

با تصویب و اجرای سند سبز انرژی از مارس ۲۰۰۶، یک راهبرد بادوام، رقابتی و امن در حوزه انرژی بنیان نهاده شد. سیاست صرفه‌جویی و کاهش تقاضا از جمله مواردی است که اتحادیه اروپا در قالب سند فوق دنبال نموده و بر این اساس با وضع مالیات، رفتار مصرف‌کنندگان اروپایی را تعدیل می‌کند. به موجب سند سبز انرژی، مقرر شد تا سال ۲۰۲۰، حدود ۲۰٪ از میزان مصرف انرژی کشورهای عضو اتحادیه اروپا کاسته شود. علاوه بر آن، مقرر شد ذخایر استراتژیک انرژی تقویت و مسیرهای تأمین انرژی از خارج متنوع‌تر شود. مضافاً آنکه یک بازار یکپارچه انرژی در درون اتحادیه اروپا ایجاد شد تا ضمن تقویت همبستگی میان دولت‌های عضو، شرایط لازم را برای تضمین امنیت عرضه نفت و گاز فراهم آورد.

اتحادیه اروپا در زمینه انرژی پنج هدف عمده را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: تنوع‌بخشی به منابع انرژی؛ تضمین امنیت انرژی از طریق همبستگی و همکاری بین کشورهای عضو؛ اطمینان از عملکرد یکپارچه و منسجم بازار داخلی انرژی به گونه‌ای که زیرساخت‌های کافی را

فراهم و موانع فنی و یا نظارتی مربوط به جریان آزاد انرژی را مرتفع سازند؛ بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش وابستگی به واردات انرژی؛ کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای؛ کربن‌زدایی؛ ترویج فناوری‌های مرتبط با انرژی‌های پاک و اولویت دادن به تحقیق و نوآوری در زمینه ترانزیت انرژی و بهبود رقابت (Ebrach 2015).

دستور کار اتحادیه اروپا بر کاهش نگرانی‌های مربوط به امنیت انرژی و اهداف مرتبط با آب‌وهوا تمرکز دارد. در این ارتباط اتحادیه اروپا مصمم است تا سال ۲۰۳۰ حداقل ۵۵٪ گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد. این میزان تا سال ۲۰۵۰ بایستی به نزدیک صفر برسد. قرار است سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی‌های مصرفی اروپا تا سال ۲۰۳۰ به ۳۲٪ برسد و بهره‌وری انرژی نیز تا ۳۲/۵٪ بهبود یابد (EUR-Lex 2015a).

از دیگر اسناد پایه، «استراتژی اتحادیه اروپا در زمینه انرژی» است که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است. بر مبنای این سند هدف از ایجاد اتحادیه انرژی، ارائه انرژی امن، پایدار، رقابتی و مقرون‌به‌صرفه برای مصارف خانوار و مشاغل است. علاوه بر آن قوانین و مقررات دیگری در خصوص برق، بهره‌وری از انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و بازار گاز، دستورالعمل مالیات بر انرژی، دستورالعمل عملکرد انرژی ساختمان‌ها و بازنگری در بازارهای گازهای بدون کربن و در حوزه حمل‌ونقل به مقرراتی مانند استقرار زیرساخت‌های سوخت جایگزین مصوب و به اجرا گذاشته شده است (EUR-Lex 2015b).

تمرکز بر امنیت انرژی. تأمین پایدار جریان گاز اولوی بسیار مهم در پروژه جامع انرژی اتحادیه اروپا بوده است. وابستگی فزاینده اتحادیه اروپا به انرژی و اتکای زیاد به روسیه به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌ها در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در دو دهه گذشته تبدیل شده است. با توجه به محدودیت منابع داخلی اتحادیه اروپا و مشکل یافتن تأمین‌کنندگان متعدد، اتکا کشورهای عضو اتحادیه به روسیه افزایش یافته است. با اضافه شدن بحران‌های گازی مختلف که روابط میان مثلث اتحادیه اروپا، روسیه و اوکراین را در طی سال‌های مختلف به‌ویژه بحران سال ۲۰۰۹ تخریب کرده، می‌توان دریافت که چرا امنیت انرژی در سیاست اتحادیه اروپا درباره اوکراین تا این میزان دارای اولویت بالا است. هرچند در سال‌های اخیر پیشرفت‌های زیادی در خصوص افزایش امنیت انرژی اروپا صورت گرفته، اما همچنان اعضای اتحادیه اروپا در برابر شوک‌های انرژی آسیب‌پذیر هستند.

اصلاح بازار داخلی انرژی از طریق ارائه بسته‌های انرژی. اتحادیه اروپا جهت کاهش میزان وابستگی به انرژی روسیه، مجموعه اقداماتی را جهت ساماندهی به بازار داخلی انجام داده که در

قالب بسته‌های مختلف انرژی ارائه شده تا از این طریق یک بازار انرژی داخلی کاملاً یکپارچه و بهینه‌شده شکل گیرد طوری که سرمایه‌گذاری در انرژی سبز را تشویق، تأمین انرژی را تضمین و کم‌هزینه‌ترین شیوه را برای بهبود وضعیت آب‌وهوا فراهم نماید (EU Regulation 2011).

افزایش بهره‌وری انرژی. دستورالعمل بهره‌وری انرژی مصوب سال ۲۰۱۲ که در سال ۲۰۱۸ در آن تجدیدنظر شده، سنگ بنای سیاست بهره‌وری انرژی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. این دستورالعمل شامل مجموعه‌ای از اقدامات الزام‌آور برای کمک به اتحادیه اروپا جهت نیل به بهره‌وری ۳۲/۵ درصدی تا سال ۲۰۳۰ است. علاوه بر آن دستورالعمل‌هایی نیز در خصوص صرفه‌جویی در مصرف انرژی و دیگر سیاست‌های مرتبط با بهره‌وری انرژی صادر شده که در حال اجرا است (Directive 2012). در این ارتباط کمیسیون اروپا در نظر دارد به نحو تدریجی واردات سوخت‌های فسیلی از روسیه را کاهش دهد. براساس بازنگری صورت گرفته در مقررات مربوط به مصارف انرژی در ساختمان‌ها، مقرر شده تا سال ۲۰۵۰ مصرف سوخت‌های کربنی کاملاً ممنوع شود. همچنین در نظر است در عملکرد انرژی ساختمان‌های قدیمی نیز تجدیدنظر شده و این قبیل ساختمان‌ها نیز از الگوهای جدید در سیستم گرمایش بهره گیرند.

توجه به انرژی‌های تجدیدپذیر. انرژی خورشیدی، بادی، اقیانوسی و آبی، زیست‌توده و سوخت‌های زیستی همه در زمره منابع انرژی تجدیدپذیر به شمار می‌روند. اصول سیاست‌های اتحادیه اروپا در مورد انرژی‌های تجدید بر تنوع‌بخشی به عرضه انرژی و توسعه منابع انرژی داخلی به‌منظور تضمین امنیت عرضه و کاهش وابستگی به انرژی خارجی مبتنی است. اعضای اتحادیه اروپا به‌موجب پروتکل کیوتو مصوب ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷، متعهد شدند در برنامه‌ای درازمدت سهم سوخت‌های تجدیدپذیر را در سبد انرژی مصرفی کشورهای عضو افزایش دهند. در این راستا و براساس دستورالعمل مربوط به انرژی‌های تجدیدپذیر نخست مقرر شد تا سال ۲۰۳۰ سهم این نوع انرژی در سبد انرژی اروپا به ۳۲٪ برسد، اما با بازنگری‌های صورت گرفته این رقم به ۴۵٪ افزایش پیدا کرده است (Directive EU 2018). همچنین قرار شده ظرفیت انرژی خورشیدی تا سال ۲۰۳۰ به ۶۰۰ گیگاوات و مجموع انرژی تجدیدپذیر به بیش از ۱۲۰۰ گیگاوات برسد. در خصوص راهبرد ایجاد تأسیسات مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر بادی در خشکی^۱ مقرر شده تا سال ۲۰۳۰ به ۵۰ گیگاوات و تا سال ۲۰۵۰ به ۳۰۰ گیگاوات افزایش یابد. استراتژی مربوط به نیروگاه‌های برقی نیز مورد بازنگری قرار گرفته و بنا شده ظرفیت آن‌ها تا سال ۲۰۳۰ به ۴۰ گیگاوات افزایش یابد.

^۱. Offshore renewable wind

متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان انرژی از طریق تقویت روابط خارجی. در راستای کاهش وابستگی به انرژی روسیه، اتحادیه اروپا استراتژی متنوع‌سازی تأمین‌کنندگان خارجی را در دستور کار دارد. در همین راستا اتحادیه مذکور با دیگر شرکای بین‌المللی (به‌جز روسیه) در خصوص عرضه انرژی، واردات گاز مایع و حتی انتقال گاز به اروپا از طریق خطوط لوله وارد مذاکره شده است. علاوه بر آن یک سازوکار هماهنگی داوطلبانه برای حمایت از آسیب‌پذیرترین شرکای اتحادیه اروپا در موضوع انرژی که شامل اوکراین، مولداوی، کشورهای واقع در حوزه بالکان و کشورهای عضو مشارکت شرقی است، ایجاد شده است (Decision EU 2017).

حمایت از اوکراین در راستای تأمین امنیت انرژی. روابط انرژی اتحادیه اروپا و اوکراین به دهه ۱۹۸۰ میلادی و آنگاه که این جمهوری بخشی از قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بود، بازمی‌گردد، اما پس از استقلال، اوکراین در سال ۱۹۹۱، این روابط اهمیت بسیار بیشتری یافت، زیرا این کشور به مسیر اصلی ترانزیت گاز روسیه به اروپا تبدیل شد. «یادداشت تفاهم همکاری در زمینه انرژی» در سال ۲۰۰۵ میان اتحادیه اروپا و اوکراین، همکاری فی‌مابین را به سطحی ویژه ارتقا داد. طرف اروپایی با انعقاد سند فوق به‌دنبال آن بود اوکراین را به پذیرش تدریجی قوانین اتحادیه اروپا در حوزه انرژی به‌ویژه گاز و ادا سازد (MoU on a Strategic Energy Partnership, 2005). طی دو دهه گذشته، همکاری میان اوکراین و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی باهدف افزایش امنیت، رقابت و ثبات انرژی روبه افزایش بوده است. برای اروپا تضمین یک سیستم ترانزیت امن، شفاف و قابل‌اعتماد توسط اوکراین دارای اهمیت بسیار است.

در فوریه ۲۰۱۱، اوکراین به معاهده جامعه انرژی^۱ به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار داخلی برق و گاز اروپا پیوست. (The Energy Community Treaty). بر این امضاکنندگان اوکراین به رعایت استانداردهای بازار انرژی اتحادیه اروپا متعهد شد. در ارتباط با گاز، طرفین متعهد ملزم شدند قوانین مشترک جهت انتقال، توزیع، عرضه و ذخیره‌سازی گاز طبیعی را رعایت نمایند. اوکراین با پیوستن به معاهده جامعه انرژی، این امکان را یافته که از سازوکارهای مربوط به سامانه‌های یکپارچه اروپا در زمینه انرژی و نیز امکان تأمین مالی پروژه‌های خاص و نیز مرتبط با اصلاحات انرژی بهره‌مند شود. به‌علاوه کی‌یف در راستای انطباق قوانین داخلی خود با قوانین و مقررات اتحادیه اروپا در حوزه انرژی، بسیاری از آن‌ها را اصلاح کرده است. از جمله آن‌ها می‌توان به قانون بازار گاز طبیعی، قانون دسترسی به شبکه‌های انتقال گاز طبیعی، قانون برق، قانون کارایی امنیت و رقابت در حوزه انرژی، اشاره کرد. همچنین اوکراین با نصب اپراتور

^۱. The Energy Community Treaty

مستقل، سیستم گاز داخلی خود را از سیستم ترانزیت گاز روسیه به اروپا جدا ساخته است. همچنین اوکراین ملزم شد کلیه داده‌ها و آمار و ارقام مربوط به انرژی را به صورت شفاف اطلاع‌رسانی نماید. سیستم انرژی اوکراین و لهستان به هم متصل شد. قوانین و مقررات مربوط به بازار گاز و برق مطابق با بسته سوم انرژی روزآمد شد. در زمینه انرژی هسته‌ای، وضعیت ناظر در گروه ایمنی هسته‌ای به اوکراین اعطا شد. از این طریق این امکان فراهم آمده تا نظارت‌های دقیق‌تری بر تأسیسات هسته‌ای اوکراین صورت گیرد. اخیراً نیز دو طرف یادداشت تفاهم مشارکت استراتژیک انرژی را به امضا رسانده و علاوه بر آن یک برنامه کاری سالانه بین طرفین جهت همکاری در زمینه‌های مختلف مرتبط با انرژی امضا کرده‌اند.

بسته‌های محدودساز اتحادیه اروپا علیه روسیه. شرکت‌های بزرگ و انحصاری روسیه در حوزه انرژی طی دو دهه اخیر تلاش مضاعفی را برای در اختیار گرفتن اهرم‌های انرژی درون کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کار بستند. روسیه به‌عنوان بخشی از استراتژی انرژی خارجی خود، درصدد برآمد برخی شرکت‌های توزیع‌کننده گاز طبیعی و نیز تعدادی پمپ‌بنزین‌های زنجیره‌ای در اروپای غربی را خریداری نماید، اما این امر حساسیت‌هایی را در درون اتحادیه اروپا پدید آورد که خود منجر به تصویب بسته سوم انرژی شد. این بسته که به‌ظاهر هدف از آن آزادسازی انرژی و یکپارچه‌سازی بازارهای ملی گاز بود، دست روسیه را در مالکیت تولید گاز در اروپا بست و مالکیت بر عرضه و توزیع گاز را به‌طور هم‌زمان منع کرد. (Smith, 2007: 3).

نتیجه‌گیری

وابستگی اوکراین به واردات انرژی از روسیه، علاوه بر آنکه استقلال سیاسی این کشور را تحت تأثیر قرار داده، به‌عنوان عامل بازدارنده در توسعه صنعتی و اقتصادی این کشور عمل کرده است. بهره‌گیری روسیه از ابزار انرژی جهت اعمال فشار بر رژیم‌های ناهم‌سو، ایجاد نوسانات مداوم در عرضه و حتی قطع گاز و به‌علاوه افزایش مکرر قیمت‌ها و قطع سوبسیدها باعث شد اوکراین نتواند یک سیاست انرژی مؤثر و مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های استراتژیک انجام دهد و در نتیجه مانع از ایجاد تحولات چشمگیر در رشد اقتصادی این کشور گردیده است.

علی‌رغم ظرفیت فراوان اوکراین در انتقال و ترانزیت انرژی، تفوق رقابت‌های سیستمی در دوره گذار نظام بین‌الملل، نگرانی مسکو از راهبردهای غرب جهت ادغام برخی کشورهای واقع در حوزه خارج نزدیک در ساختارهای یوروآتلانتیک و گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به شرق، روسیه با استفاده از موقعیت ممتاز خود در تأمین انرژی اروپا، به شکل‌گیری و تشدید وابستگی

متقابل نامتقارن در مثلث همکاری میان مسکو - بروکسل - کی‌یف کمک کرده و از این ابزار برای تعدیل، تغییر رفتار و حیث فشار بر اوکراین استفاده نموده است. در نتیجه اوکراین با وقوع انقلاب نارنجی، از مزایای سوبسیدهای استراتژیک و دریافت تخفیف‌های کلان در خرید انرژی از روسیه محروم شد. با احداث خطوط لوله جدید در مسیرهای غیراوکراینی به مقصد اروپا، از درآمدهای هنگفت حاصل از ترانزیت گاز بی‌بهره ماند. توافقات دوجانبه مسکو با برخی کشورهای اروپایی جهت احداث خطوط لوله جدید نیز به کاستن از موقعیت ترانزیتی اوکراین کمک کرد.

کی‌یف برای زدودن عوارض ناشی از کاهش و قطع صدور گاز روسیه به آن کشور، بیش از گذشته در ساختارهای انرژی اروپایی ادغام شد. مذاکره جهت پیوستن به انرژی سبز اروپا، اجرای برنامه ملی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر تا ۲۰۳۰، کوشش جهت افزایش سهم انرژی‌های جایگزین در سبد انرژی مصرفی اوکراین و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش انرژی از جمله اقدامات کی‌یف برای کاهش وابستگی به انرژی روسیه بوده است. اوکراین تعدادی اسناد مهم باهدف ایجاد یک راهبرد رسمی در امور انرژی و باهدف کاهش پیامدهای ناشی از فشارهای روسیه به‌ویژه در دوره پس از انقلاب نارنجی (۲۰۰۴) مصوب نمود که از جمله آن‌ها می‌توان به استراتژی انرژی اوکراین تا سال ۲۰۳۰ و استراتژی انرژی تا سال ۲۰۳۵ پیرامون امنیت، بهره‌وری انرژی و رقابت اشاره کرد؛ اما هیچ‌یک از این راهبردها به دلیل ضعف نهادی و ساختاری و نیز وابستگی یک‌سویه به انرژی روسیه محقق نشد.

مضاف بر آن عدم شفافیت شرکت‌های اوکراینی فعال در حوزه انرژی و سیطره گروه‌های الیگارش‌ی مالی و صنعتی بر حوزه انرژی اوکراین که خود در پیوند عمیق و پیچیده با ساختارهای انرژی در روسیه هستند، تحول در بخش در بخش انرژی در اوکراین را با دشواری زیاد مواجه کردند.

با سقوط دولت روس‌گرای یانکوویچ در سال ۲۰۱۴ و تصدی اداره کشور توسط طیف غرب‌گرا در اوکراین، تعارضات با مسکو تشدید و شبه‌جزیره کریمه به روسیه ملحق و با حمایت مسکو، روند جدایی‌طلبی در شرق این کشور شدت گرفت. در نتیجه این وضع، نگرانی جهت تأمین انرژی در این کشور همواره روبه افزایش نهاد؛ زیرا بخش اعظم نیروگاه‌های برق در شرق اوکراین واقع و به محل منازعه نزدیک‌اند. ذخایر سوخت‌های فسیلی به‌ویژه زغال‌سنگ عمدتاً در شرق اوکراین قرار دارند. نیروگاه هسته‌ای زاپاروژییه و نیروگاه‌های حرارتی دونتسک و لوگانسک و همچنین نیروگاه برق آبی کاخوفکا در این منطقه واقع‌اند. عمده ظرفیت‌های انرژی-های جایگزین هم در مناطق خرسون، میکولایف، دنیپر و زاپاروژییه قرار دارند که همگی در

شرق اوکراین هستند (Darpak & Kraiev 2022). حاصل آنکه اوکراین که خود تا پیش از این تأمین کننده بخش قابل توجهی از برق مصرفی کشورهای پیرامونی در شرق اروپا بوده، برای تأمین برق در داخل با مشکل مواجه شده است.

وابستگی متقابل نامتقارن میان اضلاع مثلث انرژی - روسیه، اتحادیه اروپا و اوکراین - به وضعیتی منجر شده که علیرغم صرف دهها میلیارد دلار هزینه جهت احداث خطوط لوله، نه تنها پیوندهای انرژی میان آنها تقویت نشده، بلکه به عکس رقابت های ژئوپلیتیک مانع استفاده از این ظرفیت عظیم شده است. شواهد امر حاکی است که وضعیت پدیدآمده استمرار داشته و انتظار بازگشت به شرایط و اوضاع و احوال گذشته بسیار دور از ذهن است.

منابع و مآخذ

فارسی

- ایلخانی پور، علی و سمیه بهرامی. ۱۳۹۲. تأثیر عامل انرژی بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۲. صص. ۲۹-۵۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، حسین سلیمی و محمدحسین منادی زاده. ۱۳۹۸. روابط هند و آمریکا از منظر وابستگی متقابل (۲۰۱۵-۱۹۹۰). *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*، سال ۷، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸. صص. ۶۷-۱۰۴.
- سلطانی، علیرضا و رضا بهمنش. ۱۳۹۰. اتحادیه اروپا و چالش های امنیتی انرژی. *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*. دوره ۴(۱۷) شماره پیاپی ۱۶، اسفند ۱۳۹۰، صص. ۲۴۱-۲۱۱.

لاتین

- Baev, Pavel K. and Øverland, Indra (2010). "The South Stream versus Nabucco pipeline race: geopolitical and economic (ir)rationalities and political stakes in mega-projects". *International Affairs*, 86(5).
- Božić, Filip, Karasalihović Sedlar Daria, Smajla, Ivan and Ivančić, Ivana (2020). "Analysis of Changes in Natural Gas Physical Flows for Europe via Ukraine in 2020". *MDPI*. **14**(16), 5175. (<https://www.mdpi.com/1996-1073/14/16/5175>)
- Darpak Mikhailo & Kraiev Oleksandr. 2022. Ukraine's plan in the Common Energy Policy of the EU: A Recipient of Practices or an Initiative Partner? *Fredrich Ebert Stiftung*. (<https://library.fes.de/pdf-files/bueros/ukraine/19922.pdf>)
- Dickel, Ralf, Elham Hassanzadeh, James Henderson, Anouk Honoré, Laura El-Katiri, Simon Pirani, Howard Rogers, Jonathan Stern & Katja Yafimava. 2014 Reducing European Dependence on Russian Gas: distinguishing natural gas security from geopolitics. *The Oxford Institute for Energy Studies*. October 2014. (<https://www.oxfordenergy.org/wpcms/wp-content/uploads/2014/10/NG-92.pdf>)

- Directive 2005 No. 36/EC. Directive 2005/36/EC of the European Parliament and of the Council of 7 September 2005 on the recognition of professional qualifications (Text with EEA relevance), Document 32005L0036. *EUR-Lex*, (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A32005L0036>)
- Directive EU. 2012. Directive 2012/27/EU of the European Parliament and of the Council of 25 October 2012 on energy efficiency, amending Directives 2009/125/EC and 2010/30/EU and repealing Directives 2004/8/EC and 2006/32/EC Text with EEA relevance. European Parliament. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A32012L0027>)
- Decision (EU). 2017. Decision (EU) 2017/684 of the European Parliament and of the Council of 5 April 2017 on establishing an information exchange mechanism with regard to intergovernmental agreements and non-binding instruments between Member States and third countries in the field of energy, and repealing Decision No 994/2012/EU. European Parliament. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/en/TXT/?uri=CELEX:32017D0684>)
- Directive EU. 2018. Consolidated text: Directive (EU) 2018/2001 of the European Parliament and of the Council of 11 December 2018 on the promotion of the use of energy from renewable sources. European Parliament. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX:02018L2001-20220607>)
- Dusseault, David (2009) “Europe’s Triple By-Pass – The Prognosis for Nord Stream, South Stream and Nabucco”, in Kari Liuhto (ed.) “*The EU-Russia Gas Connection: Pipes, Politics and Problems*”, *Electronic Publications of Pan-European Institute*, 8/2009.
- Ebrach, Gregor. 2015. Energy Union New impetus for coordination and integration of energy policies in the EU. *European Parliament* ([https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2015/551310/EPRS_BRI\(2015\)551310_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2015/551310/EPRS_BRI(2015)551310_EN.pdf))
- “Energy Statistics – An overview” (2022). *Eurostat Statistics Explained* (https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Energy_statistics_-_an_overview#Imports_and_exports)
- Euractive (2010). “Russia and Ukraine agree on gas, naval base”. 22 April. (<https://www.euractiv.com/section/med-south/news/russia-and-ukraine-agree-on-gas-naval-base/>)
- EU Regulation. 2011. Regulation (EU) No 1227/2011 of the European Parliament and of the Council of 25 October 2011 on wholesale energy market integrity and transparency. European Parliament. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32011R1227>)
- EUR-Lex 2015a. delivering the EU's 2030 Climate Target on the way to climate neutrality. European Commission. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A52021DC0550>)
- EUR-Lex. 2015b. Communication from the Commission to the European Parliament, the Council, the European Economic and Social Committee, the Committee of the Regions and the European Investment Bank, A Framework Strategy for a Resilient Energy Union with a Forward-Looking Climate Change Policy. *European Parliament*. (<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=COM:2015:80:FIN>)
- Gleb, Bernard A. (2007). “Russian Natural Gas: Regional Dependence: CRS Report for Congress”. *The Library of Congress*. (<https://sgp.fas.org/crs/misc/RS22562.pdf>)
- Godzimirski, Jakub M. 2014. European Energy Security in the Wake of the Russia-Ukraine Crisis. *The Polish Institute of International affairs (PISM)*. No. 27 (63), December 2014.

- Gümüş, Yasin Kerem. 2015. How Secure is the European Union Energy Policy after the Ukraine Crisis? *International Journal of Energy Economics and Policy*, 2015, 5(4), pp.1016-1021.
- Hadfield, Amelia (2008). "EU-Russia energy relations: aggregation and aggravation". *Journal of Contemporary European Studies*. 16 (2), pp. 231-248. (<https://doi.org/10.1080/14782800802309953>)
- Keohane, Robert O. & Joseph S. Nye. 2012. *Power and Interdependence*, Fourth Edition, Foreword by Fareed Zakaria. Longman.
- Ketoeva, N.L. and Orlova, Y.S. (2019). "The development and energy efficiency of LNG in Russia". *Journal of Physics*. IOP Conf. Ser.: Earth Environ. Sci. 288 012063.
- Leijonhielm, Jan and Larsson, Robert L. (2004) "Russia's Strategic Commodities: Energy and Metals as Security Levers", *Swedish Defense Research Agency (FOI)*, 1346-SE, November, (<http://www.foi.se/upload/english/reports/foi-russias-strategic-commodities.pdf>) (Accessed on 10 August 2008).
- Miller, Eric A. (2003) "The Changing Face of Eurasia: Russian and Ukrainian Foreign policy in Transition", *Comparative Strategy*, 22.
- MoU on a Strategic Energy Partnership (2005). "Memorandum of Understanding on a Strategic Energy Partnership Between the European Union together with the European Atomic Energy Community and Ukraine". (https://energy.ec.europa.eu/system/files/2017-11/mou_strategic_energy_partnership_en_signed_0.pdf)
- Nord Stream AG. (2012). "Next step in the potential extension of Nord Stream". *Press hotline*, 8 October. (<http://www.nord-stream.com/press-info/press-releases/next-step-in-the-potential-extension-of-nord-stream-426/>) (accessed 1 March 2016).
- Norling, Nicklas (2007) "Gazprom's Monopoly and Nabucco's Potentials: Strategic Decisions for Europe", Central Asia – Caucasus Institute-Silk Road Studies Program, *Silk Road Paper*, November.
- Patterson, Robert G. 2013. *Russian-EU Energy Interdependence and Security in Europe*, a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of International Studies. University of Washington.
- Petrov, Roman (2014). "Applying the European Union's 'Energy Acquis' in Eastern Neighbouring Countries: The Cases of Ukraine and Moldova". *Oil, Gas & Energy Law Intelligence (OGEL)*. (file:///C:/Users/u1/Downloads/SSRN-id2443793.pdf)
- Pirani, Simon (2009). "The Russian-Ukrainian Gas Dispute 2009", in "The Russian-Ukrainian Gas Conflict". *Russian Analytical Digest*, No.53, 20 January.
- Pirani, Simon, Stern Jonathan, and Yafimova, Katja (2009). "The Russo-Ukrainian Gas Dispute of January 2009: A Comprehensive Assessment". *Oxford Institute for Energy Studies*. NG27, February.
- Siddi, Marco (2015). "The EU-Russia Gas Relationship: New Project, New Disputes?" *FIIA Briefing Paper*, 183, October 2015(<https://www.files.ethz.ch/isn/195367/bp183.pdf>)
- Smith, Nicholas Ross (2016). *EU – Russian Relations and the Ukrainian Crisis*. UK: Edward Elgar Publishing.
- Stern, Jonathan (2005) "*The Future of Russian Gas and Gazprom*", Oxford University Press.
- Stern, Jonathan (2006) "The Russian-Ukrainian Gas Crisis of January 2006", *Oxford Energy Studies*, 16 January.
- "The Energy Community Treaty". *Bosnia and Herzegovina State Electricity Regulatory Commission SERC*. (<https://www.derk.ba/en/legislation/energycommunity>)

“TurkStream: Russia’s Southern Pipeline to Europe” (2021). *Congressional Research Service*. (<https://sgp.fas.org/crs/row/IF11177.pdf>)
Varol, Tugce (2013). *The Russian Foreign Energy Policy*. Republic of Macedonia: Egalite. (<https://eujournal.org/files/journals/1/books/TugceVarol.pdf>).